

کنکاشی در قاعده فقهی احتیاط در آبرو

اکبر محمودی^۱

^۱ استاد دانشگاه بین‌المللی مصطفی: mahmoodiakbar24@gmail.com

نویسنده مسئول: mahmoodiakbar24@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۸

چکیده

آبروی انسان‌ها از مهم‌ترین امور در نزد بشر، قوانین موضوعه و شرع مقدس به شمار می‌رود، از این‌رو اهمیت بسیار زیادی در تشریح شرعی و تقنین عرفی و تعاملات اجتماعی دارد. قاعده فقهی احتیاط در آبرو که از قوانین معروف و مشهور در نزد فقهای اسلامی به حساب می‌آید در راستای همین اهمیت قرار دارد. هر چند فقهاء در مسائل گوناگونی به شکل‌های متفاوت به قاعده فقهی احتیاط در آبرو تمسک می‌کنند؛ ولی تا کنون هیچ اثر مستقلاً - اعم از کتاب، پایان‌نامه و مقاله - درباره این قاعده به نگارش در نیامده است، بر همین‌اساس این مقاله علمی با بهره بردن از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی - انتقادی و اسناد کتابخانه‌ای و در چارچوب مبانی و موازین فقهی به بررسی مفاد، مستندات، قلمرو و امور دیگر مرتبط با این قاعده فقهی می‌پردازد. دلیل اصلی برای قاعده فقهی احتیاط در آبرو حکم مستقل عقل به شمار آمده و ادله دیگر - از جمله اجماع، اهتمام خاص شرع مقدس، قاعده احترام، سیره متشرعه، اصل احتیاط و سیره شارع مقدس - به عنوان مؤید حکم مستقل عقل به حساب می‌آیند، بنابراین حکم شرع مقدس در این باره از باب ارشاد به حکم مستقل عقل و امضای بنای عقلای جهان است و شرع مقدس جعل و تأسیس مستقلاً در این زمینه ندارد. این قاعده فقهی در هم شبهه‌های حکمی و هم شبهه‌های موضوعی و درباره هم مسلمانان و هم کافران غیرحربی جریان دارد. اصالت اباحه درباره آبروی انسان‌ها جریان ندارد؛ زیرا اصل اباحه در جایی جریان دارد که موضوع بر حسب طبیعت خودش محکوم به اباحه باشد و در حرمت آن به دلیل عروض عوارض خارجی شک شود. همچنین این اصل در جایی جریان دارد که عقل استقلال به قبح آن نداشته باشد، در حالی که اصل در آبروی انسان‌ها بر حرمت است و عقل در آبروی انسان‌ها حکم به قبح اقدام در صورت نداشتن علم می‌دهد.

کلیدواژه: قاعده فقهی، احتیاط، آبرو، اعراض، عرض.

مقدمه

احتیاط در برخی از امور مهم در صورت عدم علم در مسأله از نگاه عقل لازم است تا از بروز برخی پیامدهای منفی برای فرد و جامعه جلوگیری شود. شرع مقدس نیز این الزام عقل را تأیید کرده و براساس آن حکم به وجوب احتیاط می‌دهد. آبرو یکی از این امور مهم به شمار می‌رود، بر همین‌اساس عقل حکم به لزوم احتیاط در امور مربوط به آن می‌دهد و شرع مقدس نیز به تبع حکم قطعی عقل - براساس قاعده ملازمه میان حکم عقل و حکم شرع - حکم به وجوب احتیاط می‌دهد.

هر چند فقهاء در موارد گوناگونی به قاعده احتیاط در آبروی انسان‌ها با تعبیرهای گوناگون استناد می‌کنند؛ ولی تاکنون هیچ اثری به صورت جامع به بررسی این قاعده فقهی مهم نپرداخته است. از سوی دیگر بحث از این قاعده از اهمیت و ضرورت فراوانی برخوردار است. زیرا آبروی انسان یکی از عناصر اصلی و مهم برای ادامه حیات زندگی انسان در میان اعضای جامعه به شمار می‌رود به طوری که برخی از انسان‌ها حاضر هستند جهت حفظ آبروی خودشان از بسیاری از عناصر دیگر زندگی خودشان بگذرند. بر همین‌اساس این مقاله برای نخستین بار با روش تحقیق توصیفی تحلیلی انتقادی و اسناد کتابخانه‌ای به بررسی جامع قاعده احتیاط در آبرو، مفهوم، حجیت، قلمرو و دیگر امور مرتبط با آن به لحاظ فقهی می‌پردازد. همین نکته از نوآوری‌های این مقاله به لحاظ موضوع و محتوا به حساب می‌آید.

۱- تحریر بحث

شکی نیست که عقل و نقل حکم به رجحان و نیکویی احتیاط حتی در صورت وجود اماره بر اباحه و حلیت می‌دهند (انصاری، ۱۴۱۹، ۱۳۷/۲؛ خراسانی، ۱۴۰۹، ۳۵۴) ولی تردیدی نیز نیست که احتیاط در برخی از امور موجب اختلال در نظام، عسر، حرج و تکلیف به غیرمقدور می‌شود (انصاری، ۱۴۱۹،

۱۳۴/۲ و ۱۳۷) از این رو نمی‌توان حکم به استحباب احتیاط در همه امور داد (انصاری، ۱۴۱۹، ۱۳۷/۲) بنابراین احتیاط تا زمانی نیکو خواهد بود که موجب عسر، حرج، اختلال نظام، وسواس و ترک امور مطلوب شرعی نشود (خمینی، ۱۴۲۳، ۴۱۷/۳؛ روحانی، ۱۳۸۲، ۴۷۳/۴؛ سبحانی، ۱۴۲۶، ۱۴۴/۲؛ تبریزی، بی‌تا، ۱۰۸) اما احتیاط در برخی از امور مهم از نظر شارع مقدس مانند جان، ناموس، آبرو و مال در هر حال نیکو بوده (خراسانی، ۱۴۰۹، ۳۵۴؛ صافی، ۱۴۲۸، ۹۰/۳) و واجب است. (انصاری، ۱۴۱۹، ۱۳۷/۲-۱۳۸؛ قمی، ۱۳۷۱، ۶۷/۲)

فقیه‌ها در جاهای گوناگونی به قاعده احتیاط در آبرو تمسک می‌کنند (سبزواری، ۱۴۲۳، ۱۵۰؛ انصاری، ۱۴۲۹، ۱۲۹/۳) که این حکایت از اهمیت و کاربردی بودن این قاعده در نزد آنان دارد.

همه احکام شرع مقدس درباره امور گوناگون از جمله آبروی انسان‌ها براساس حکمت، فلسفه و مصلحتی است که عقل انسان به همه آن‌ها راه ندارد. (سنقری، ۱۴۱۸، ۸-۷) شریعت اسلامی نیز بر اساس حدیث نبوی «خدا من را با دین میانه منعطف راحت برانگیخته است»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷، ۴۹۴/۵) و حدیث علوی «دوست‌داشتنی‌ترین دین شما در نزد خدا دین میانه انعطاف‌پذیر آسان است»^۲ (صدوق، ۱۴۰۴، ۱۲/۱) بر مبنای راحت‌گرفتن استوار است؛ ولی احتیاط در امور خاصی مانند آبروی انسان‌ها به منظور رعایت همین حکمت‌ها، فلسفه‌ها و مصالح است.

۲- مفاد قاعده احتیاط در آبرو

احتیاط کلمه‌ای عربی و مصدر باب افتعال از ریشه «حوط» است که در لغت به معنای پوشش دادن، احاطه کردن، دوره کردن، جمع کردن، انتخاب مطمئن‌ترین راه، مراعات کردن، در نظر گرفتن همه جوانب، تدبیر و ... آمده است. (فراهیدی، ۱۴۲۴، ۳۷۳/۱؛ رازی، ۱۳۸۷، ۲۶۰؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۹، ۴۲۲؛ فیومی، ۱۴۰۵، ۱۵۷)

اصل احتیاط و اشتغال از اصول عملی به‌شمار می‌رود (سبحانی، ۱۴۲۳، ۳۴۳) که در اصطلاح فقهی و اصولی به معنای اتخاذ روشی است که با آن برائت یقینی ذمه انسان حاصل شود (کرکی، ۱۳۹۶، ۲۲۳) یعنی چیزی که احتمال می‌رود واجب باشد، انجام شود و چیزی که احتمال می‌رود حرام باشد، ترک شود. (انصاری، ۱۴۱۹، ۴۰۳/۱)

قلمرو اصل احتیاط علم اجمالی است (حکیم، ۱۴۱۶، ۱۵۶/۱۱) اصل احتیاط در هم احکام شرعی و هم موضوعات خارجی دارای حکم شرعی جریان می‌یابد. (صدر، ۱۴۳۱، ۷۹/۵) یعنی اصل احتیاط در شبهه مرتبط با حکم شرعی تکلیفی و وضعی و شبهه‌های مرتبط با موضوعات و مصادیق خارجی که دارنده حکم شرعی هستند جاری می‌شود.

آبرو کلمه‌ای فارسی است که در لغت به معنای جاه، اعتبار، شرف، عرض، ارج، حرمت، حیثیت، ناموس، قدر، عزت، عرق، خوی و ... آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۵۳-۵۲/۱؛ معین، ۱۳۸۶، ۲۷/۱؛ انوری، ۱۳۸۲، ۲۷/۱)

از آبرو در زبان عربی، منابع دینی و متون فقهی با واژه «أعراض» و «عرض» نیز یاد می‌شود که در لغت به معنای نفس، حسَب، بدن، بوی بدن، بوی انسان و ... است. (فراهیدی، ۱۴۲۴، ۱۳۳/۳؛ رازی، ۱۳۸۷، ۶۳۴؛ جوهری، ۱۴۳۰، ۷۵۸؛ فیومی، ۱۴۰۵، ۴۰۴) مراد از اعراض در اصطلاح فقیه‌ها در این‌جا در راستای همان معنای لغوی بوده و شامل کرامت، عزت، شرف (جزیری، ۱۴۱۹، ۶۶۴/۵)، آبرو و ... است.

مقصود از قاعده احتیاط در آبرو این است که آبروی هر انسانی دارای احترام، ارزش و حرمت بوده و هیچ‌کسی بدون مجوز شرعی قطعی حق تعرض به آبروی دیگران را ندارد و تنها براساس دلیل قطعی بر جواز می‌توان متعرض آن شد. (لنگرودی، ۱۳۸۰، ۱۸۴)

احتیاط در مانند آبروی انسان‌ها نزد فقیه‌ها به احتیاط شرعی معروف است (عراقی، ۱۳۸۸، ۳۷۸) زیرا شرع مقدس در خصوص امور مهمی مانند جان، آبرو و نوامیس انسان‌ها به‌صورت ویژه تصریح کرده و درباره آن‌ها توصیه به احتیاط کرده است. شبهه در جایی که باید احتیاط انجام گیرد در مقام حقیقت قرار می‌گیرد (حلی، ۱۴۱۲، ۶۶/۱۴). اراده شارع مقدس بر این تعلق گرفته که حکم تکلیفی واقعی در این امور حتی در صورت شک نیز حفظ شود (حلی، ۱۴۳۲، ۳۱۷/۶؛ اردبیلی، ۱۴۰۷، ۹۸/۲) بر همین اساس برخی از فقیه‌ها (اصفهانی، ۱۴۲۲، ۶۲۷/۱) ابراز کرده‌اند که احتیاط در این امور با جعل تأسیسی شارع مقدس است؛ ولی در امور دیگر با امضای حکم عقل است.

به نظر می‌رسد این نکته صحیح نباشد؛ زیرا گرچه شرع مقدس به برخی امور به‌صورت ویژه تصریح کرده تا درباره آن‌ها احتیاط شود؛ ولی این بدان معنا نیست که قبل از آن عقل به احتیاط درباره آن‌ها حکم نکرده باشد و بنای عقلاء نیز بر آن نباشد. بنابراین حکم شرع مقدس در این امور خاص به دلیل تأکید ویژه بر حکم عقل و بنای عقلاء است. بر این اساس حکم مولوی و جعل تأسیسی در این امور نیز وجود ندارد و فقط ارشاد به حکم عقل و امضای بنای عقلاء است. بر همین اساس احتیاط در این‌جا از باب احتیاط عقلی است که به معنای نیکو بودن مؤاخذه بر مخالفت از نگاه عقل است. (جزایری، ۱۴۱۵، ۱۰۱/۴)

۱. «لَمْ يُزِيلْنِي اللَّهُ تَعَالَى بِالرَّهْبَانِيَّةِ وَ لَكِنْ بَعَثَنِي بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّمْحَةِ».

۲. «إِنْ أَحَبَّ دِينَكُمْ إِلَى اللَّهِ الْحَنِيفِيَّةِ السَّمْحَةِ السَّمْحَةَ».

۳- مفهوم قاعده فقهی

قواعد فقهی یا قواعد فقه گزاره‌ها و قضایایی هستند که شامل حکم فقهی کلی بوده و همه یا بیشتر باب‌های فقه را پوشش داده و قابلیت تطبیق بر موارد جزئی را دارند. (بجنوردی، ۱۴۱۹، ۵/۱؛ مکارم، ۱۴۱۱، ۱۱/۱؛ زامل، ۱۴۲۲، ۱۲؛ سدلان، ۱۴۱۷، ۱۳)

۴- قاعده فقهی بودن احتیاط در آبرو

قاعده احتیاط در آبرو نیز همین‌گونه است؛ چراکه گزاره‌ای است که در آن لزوم احتیاط در آبرو بر موارد شک در حلیت و اباحت آن‌ها حمل شده و در برخی از ابواب فقه جریان داشته و قابلیت انطباق بر مصادیق جزئی فراوانی را دارد، پس این یک قاعده فقهی است.

۵- مستندات قاعده احتیاط در آبرو

قاعده احتیاط در آبرو بر ادله فراوان نقلی و عقلی استوار است که در ذیل برخی از مهم‌ترین آن‌ها تحلیل و بررسی می‌شود.

۱-۵- اجماع

از ظاهر نظرات و کلمات فقهاء برداشت می‌شود که همه آنان بر اصالت احتیاط در آبروی انسان‌ها تسالم و اتفاق نظر دارند. برخی (حسینی، ۱۳۸۵، ۱۰/۴) ادعای اجماع کل بر وجوب احتیاط در شبهات موضوعی در دماء، اعراض و اموال کرده‌اند. برخی (سبزواری، ۱۴۲۳، ۱۵۰) نیز ادعای اطلاق فقهاء بر جریان قاعده احتیاط در اعراض، اموال و دماء کردند.

این اتفاق نظر و اجماع به جهت وجود ادله فراوان دیگر - اعم از حکم عقل، بنای عقلاء، اهتمام ویژه شریعت، سیره متشرعه، سیره شارع مقدس و ... - در مسأله است و اجماع اصطلاحی کاشف از رأی معصوم نیست، بنابراین حجیت نداشته و دلیل مستقل در مسأله به‌شمار نمی‌رود و تنها به‌عنوان مؤید قابل پذیرش است.

۲-۵- حکم عقل

عقل مستقل به حسن احتیاط در هر صورت است. (انصاری، ۱۴۱۹، ۱۳۹/۲؛ فاضل، ۱۴۳۰، ۲۸۳/۳) عقل در امور مهم مانند آبروی انسان‌ها نیز حکم به حسن احتیاط و وجوب احتیاط کامل می‌کند.

عقل حکم به قبح ظلم می‌کند. همچنین در آن چه که احتمال ظلم واقعی در آن می‌رود حکم به قبح می‌کند تا از ارتکاب ظلم واقعی پرهیز شود (حلی، ۱۴۲۲، ۱۳۳/۲) از این رو اصل در مثل آبروی انسان‌ها لزوم اجتناب است.

عقل از اعتماد به ظن در امور مهمی مانند جان، ناموس، انساب، اموال و آبرو منع می‌کند (وحید، ۱۴۱۵، ۱۳۶؛ مجاهد، ۱۴۱۵، ۴۵۹) از این رو در این موارد تنها به علم باید تکیه کرد و در غیر این صورت باید جانب احتیاط را رعایت کرد.

۳-۵- بنای عقلاء

همه عقلا جهان - اعم از متشرع و نامتشرع - در امور مهم مانند آبروی انسان‌ها حکم به حسن احتیاط کرده و در مقام عمل نیز احتیاط کامل می‌کنند و تا دلیل قطعی بر اباحت آن اقامه نشود اقدامی نمی‌کنند. (خوانساری، ۱۴۰۵، ۳۵/۷) اصالت احتیاط در آبرو از مهم‌ترین اصول نظامی عقلانی است. شارع مقدس از جمله عقلاء بلکه رئیس عقلاء است و در هیچ منبع معتبری منعی از سوی وی نسبت به این سیره مشاهده نشده، بنابراین آن را تأیید کرده است. (کمپانی، ۱۴۱۴، ۲۴۹/۳-۲۵۰)

۴-۵- اهتمام ویژه شریعت به آبرو

یک سری از امور وجود دارد که راهبردهای کلان شریعت به حساب می‌آیند و انسان یقین دارد که این امور خط قرمز شریعت به‌شمار می‌روند و شارع مقدس هیچ وقت راضی نیست که مورد بی‌توجهی قرار گیرند. از این امور با عنوان‌های مقاصد شریعت (زحیلی، ۱۴۰۶، ۱۰۱۷/۲؛ شلیبی، ۱۴۰۶، ۵۱۲؛ علوانی، ۱۴۲۱، ۱۲۷)، مقاصد فقه (مهریزی، ۱۴۲۳، ۱۴)، اغراض شریعت (خادمی، ۱۴۲۱، ۱۵)، روح شریعت، اهداف دین، اهداف فقه (مهریزی، ۱۳۸۲، ۱۸ و ۱۴۲۳، ۱۴)، اسرار شریعت (خادمی، ۱۴۲۱، ۱۵)، غایات فقه (مهریزی، ۱۴۲۳، ۱۴)، فلسفه شریعت، روح کلی فقه، مذاق شرع (نجفی، ۱۴۰۴، ۱۵۰/۱ و ۳۰۳ و ۳۲۹/۲ و ۱۹۶/۱۵ و ۲۲۲/۲۴ و ۱۲۶/۲۶ و ۲۱۷/۲۷ و ۱۹۵/۳۰ و ۳۱۰ و ۶/۳۲ و ۳۸۰/۴۰ و ۳۸۷)، مذاق شریعت (عاملی، بی‌تا، ۹۱/۶؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۴۰/۵/۸؛ علی‌شاهی، ۱۳۹۰، ۴۰)، مذاق قواعد شریعت (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۲۱/۲۷)، نوامیس شریعت (کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۶، ۱۱۶) و ... تعبیر می‌شود.

شارع مقدس اهتمام ویژه‌ای به حفظ آبروی انسان‌ها داشته (بجنوردی، ۱۴۱۹، ۳۳۵/۴) و حفظ اعراض مسلمانان از مقاصد شرع حکیم است (جزیری، ۱۴۱۹، ۶۶۴/۵) براین اساس احتیاط در آبروی انسان‌ها امر بسیار مطلوبی در نزد شرع مقدس بوده و در صورت شک در امور مرتبط با آبروی انسان‌ها باید احتیاط کرد و تا زمان اقامه دلیل قطعی بر خلاف آن نمی‌توان متعرض آبروی انسان‌ها شد. کلام فقهاء در این زمینه گواه خوبی جهت اهتمام شرع مقدس به آبروی انسان‌ها است.

سید جواد عاملی (عاملی، بی تا، ۱۲۸-۱۲۹ و ۱۹/۴۲۶) و شیخ جعفر کاشف‌الغطاء (جنابی، ۱۴۲۰، ۲۳) بیع و اجاره دادن چیزی به کسی که بایع و موجر علم به استفاده آن چیز در راه حرام از سوی مشتری و مستأجر دارد، گفته که این علم باعث تحریم بیع و اجاره نخواهد شد مگر در دماء و اعراض. ضیاء‌الدین عراقی گفته: کثرت اهتمام به اعراض حفظ آن را بر هر کسی که تمکن دارد واجب می‌کند. (عراقی، بی تا، ۴۷) سید محمد حسینی شیرازی اعراض را از امور خطیر برشمرده که خطا در آن بخشیده نمی‌شود. (شیرازی، ۱۴۲۶، ۲۷۱) جعفر سبحانی نوشته: قول فقهاء و اصولیین به این که اصل در اشیاء حلیت است، شامل دماء، اعراض، فروج و اموال نمی‌شود؛ زیرا اصل در آن‌ها حرمت است. (سبحانی، ۱۴۳۰، ۱۳۱)

سید علی خامنه‌ای نوشته: شریعت اسلامی کرامت انسان را از بزرگ‌ترین امور برشمرده است. (خامنه‌ای، ۱۴۱۷، ۲۸) برخی از فقهاء (انصاری، ۱۴۲۰، ۷۶/۱) از قاعده عدم وجوب اعلام جاهل تعدادی از امور مهمی که دانسته شده شارع مقدس اهتمام به آن‌ها داشته و راضی به صدور آن‌ها حتی از غیرمکلفان نیست - مانند نفوس، اعراض، فروج و اموال خطیر - را استثنا زدن. (هاشمی، ۱۴۲۳، ۱۱۰) این جملات، دیدگاه‌ها و فتاوی که از جانب فقهای اسلام ذکر شده دلالت یا اشعار بر اهتمام شارع مقدس و به تبع آن فقهای اسلامی نسبت به اموری مانند آبروی انسان‌ها دارند.

۵-۵- قاعده احترام

قاعده احترام از قواعد فقهی اصطیادی معروف است که براساس آن، جان، مال، منافع، عمل، ناموس و آبروی انسان ارزش و احترام داشته و نباید مورد تعرض قرار گیرند. (هوشمند، ۱۳۹۶، ۱۰۰)

برای اثبات این قاعده به ادله مختلفی تمسک می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها بیان می‌شود.

۱- خدا در قرآن (بقره، ۱۸۸) از خوردن مال دیگری به ناحق نهی کرده است. ذکر خوردن در این آیه از باب مجاز بوده و شامل گرفتن مال دیگری و مطلق تصرف در آن می‌شود؛ زیرا خوردن اولین، نزدیک‌ترین و طبیعی‌ترین عمل انسان است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۵۰۶/۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ۵۱/۲؛ مکارم، ۱۳۷۴، ۴۳/۲) این آیه اختصاص به احترام مال انسان دارد و قاعده احترام را به صورت اجمالی اثبات می‌کند؛ ولی در بحث مورد نظر که درباره احترام آبروی انسان است، کارایی ندارد.

۲- خدا در آیه‌ای دیگر (احزاب، ۵۸) اذیت ناحق نسبت به مؤمنان و مؤمنات را بهتان و گناه روشن برشمرده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳۳۹/۱۶؛ مکارم، ۱۳۷۴، ۴۲۳/۱۷) تعدی به مال، جان و آبروی مؤمنان و مؤمنات اذیت و آزار آنان به حساب می‌آید و براساس این آیه، گناه و حرام خواهد بود.

۳- پیامبر اعظم آبرو، مال و خون مؤمن را حرام دانست (اهوازی، ۱۴۰۲، ۷۲) براین اساس آبرو، مال و خون مؤمن احترام دارند.

در این حدیث به صراحت بر احترام و حرمت آبروی مؤمن تأکید شده است.

۴- پیامبر اکرم خون و مال مسلمان بر مسلمان دیگر را مانند حرمت شهر مکه و ماه ذی‌الحجه برشمرد. (طبری، ۱۳۸۳، ۲۱۶/۳-۲۱۷) این تشبیه نشان از شدت احترام جان و مال مسلمانان در نزد شرع مقدس دارد.

۵- رسول مکرم خوردن مال مؤمن را معصیت و حرمت مالش را مانند حرمت خورش دانسته است (اهوازی، ۱۴۰۲، ۱۱؛ قمی، ۱۴۰۴، ۲۹۱/۱؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۳۶۰/۲؛ صدوق، ۱۴۰۴، ۵۶۹/۳ و ۳۷۷/۴ و ۴۱۸؛ مالکی، ۱۴۱۰، ۲۰۹۶۵/۲) بنابراین مال و خون مؤمن احترام و حرمت دارند و تعدی به آن‌ها حرام است.

این دو حدیث به صورت اجمالی قاعده احترام را اثبات می‌کنند؛ ولی درباره محل بحث که آبروی انسان است، کاربرد ندارند.

۶- بنای عقلای جهان بر احترام جان، مال و آبروی انسان است. (سبزواری، ۱۳۸۸، ۴۲۷/۲۰؛ مکارم، ۱۴۱۱، ۲۱۸/۲) شارع مقدس از جمله عقلاء بلکه رئیس عقلاء بوده و عدم ردع او از این سیره دلیل بر تأیید آن از سوی شارع است. (کمپانی، ۱۴۱۴، ۲۴۹/۳-۲۵۰)

۳. «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ».

۴. «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغْيًا ظَاهِرًا أَكْتَسَبُوا قَذَابًا حَقًّا وَأَنْتُم مِّنْهُمْ».

۵. «الْمُؤْمِنُ حَرَامٌ كُلُّهُ عِرْضُهُ وَ مَالُهُ وَ دَمُهُ».

۶. «إِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ عَلَيَّ حَرَامٌ كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا فِي بَلَدِكُمْ هَذَا فِي شَهْرِكُمْ هَذَا».

۷. «سِبَابُ الْمُؤْمِنِ... وَ أَكْلُ مَالِهِ مَعْصِيَةٌ وَ حُرْمَةُ مَالِهِ كَحُرْمَةِ دِمِهِ»؛ «سِبَابُ الْمُؤْمِنِ فُسُوقٌ... وَ حُرْمَةُ مَالِهِ كَحُرْمَةِ دِمِهِ»؛ «سِبَابُ الْمُؤْمِنِ فُسُوقٌ... وَ حُرْمَةُ مَالِهِ كَحُرْمَةِ دِمِهِ».

۷- سیره متشرعین از گذشته تا کنون بر احترام جان، مال و آبروی انسان‌ها منعقد شده (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۲۲/۳۸؛ مصطفوی، ۱۴۱۷، ۲۵) و شارع مقدس از آن منعی نداشته و این تأییدی شرعی بر این سیره است.

۸- فقهاء بر احترام امور مهمی مانند جان، مال، نوامیس و آبروی انسان اتفاق نظر دارند. (مصطفوی، ۱۴۱۷، ۲۵) این تسالم به جهت وجود ادله دیگر در مسأله است که حکایت از استناد آن به سایر ادله دارد، بنابراین دلیل مستقل نبوده و به عنوان مؤید قابل قبول است.

۹- مسلمانان اجماع بر احترام امور مهمی مانند جان، نوامیس، آبرو و اموال انسان‌ها دارند. (بحرالعلوم، ۱۴۰۳، ۷۹/۱) این اجماع به ادله مختلف دیگر در مسأله مستند است، از این رو حجیت نداشته و تنها به عنوان مؤید قابل پذیرش است.

۱۰- از ضروریات دین اسلام احترام امور مهمی مانند جان، آبرو، نوامیس و اموال انسان‌ها است (بحرالعلوم، ۱۴۰۳، ۷۹/۱) به طوری که برای هیچ مسلمانی قابل انکار نیست.

در قلمرو قاعده احترام اختلاف نظر است. برخی آن را مختص به مال، منافع و عمل دانسته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۲۲/۳۸؛ بحرالعلوم، ۱۴۰۳، ۷۹/۱؛ مکارم، ۱۴۱۱، ۲۱۸/۲؛ مصطفوی، ۱۴۱۷، ۲۴) ولی برخی دیگر آن را به جان، نوامیس و آبرو نیز سرایت دادند. (هوشمند، ۱۳۹۶، ۱۰۰؛ حکیمیان، ۱۳۹۱، ۴۰) بر اساس این قاعده فقهی جان، آبرو، نوامیس، اموال و منافع اعضای جامعه احترام و ارزش دارد و نمی‌توان بدون مجوز شرعی قطعی نسبت به آن‌ها تعرض کرد.

۵-۶- سیره متشرعان

مردم متشرع از گذشته تا کنون در امور مهم مانند آبروی انسان‌ها حکم به حسن احتیاط کرده و در مقام عمل نیز احتیاط کامل را رعایت می‌کنند و تا دلیل قطعی بر اباحه آن اقامه نشود اقدامی انجام نمی‌دهند. (خوانساری، ۱۴۰۵، ۳۵/۷) هیچ دلیل معتبری نیز یافت نشده که در آن شرع مقدس از این سیره متشرعه منع کرده باشد، بنابراین از سوی پیشوایان شریعت که خودشان از ممتازین متشرعان بوده‌اند تأیید و امضاء شده و حجیت دارد.

۵-۷- اصل احتیاط

اصل احتیاط از اصول عقلی به شمار می‌رود. (اراکی، ۱۳۷۵، ۳۹۳/۱؛ مشکینی، ۱۴۰۹، ۵۹) مناط رجوع به اصل احتیاط نیز این است که علم به اشتغال ذمه انسان وجود داشته باشد و شک در حصول امثال و فراغ از عامل اشتغال باشد. (نجم‌آبادی، ۱۳۸۰، ۶۰۲/۲) برخی از فقهاء مانند سید محمدباقر صدر (صدر، ۱۴۳۱، ۲۹/۵ و ۱۴۲۳، ۶۶/۱۱) اصل اولی در شبهات را احتیاط ذکر کرده‌اند. در صورت شک در ادله ذکر شده برای امور مهمی مانند آبروی انسان‌ها نوبت به مراجعه به اصول عملی می‌رسد و اصل در مانند آبروی انسان‌ها بر احتیاط است. این اصل یک اصل عقلی است، یعنی قبل از حکم شرع بدان عقل به آن حکم کرده است.

۵-۸- سیره شارع مقدس

از سیره شارع مقدس دانسته شده که عنایت خاصی به برخی امور مهم مانند جان، آبرو و مال دارد و در آن‌ها احتیاط می‌کند. (سبحانی، ۱۴۱۹، ۴۶۹/۳) بنابراین متشرعه نیز باید برای جلب رضایت شارع مقدس، این سیره را مد نظر قرار داده و در اموری مانند آبروی دیگران احتیاط کنند.

۶-۱- ارشادی بودن قاعده احتیاط در آبرو

مراد از احکام ارشادی احکامی است که عقل به طور مستقل بدان حکم می‌کند مانند حسن عدل و احسان و قبح ظلم و فساد. (اسدی، ۱۳۸۳، ۴۵؛ گرجی، ۱۳۸۵، ۲۴؛ مشکینی، ۱۴۰۹، ۷۵)

در مقابل احکام ارشادی احکام مولوی قرار دارد که منظور از آن احکامی است که عقل به طور مستقل بدان حکم نکرده و شارع با استفاده از جایگاه مولویت خودش بدان حکم می‌کند. (شاهرودی، ۱۴۱۹، ۲۱۷/۱؛ مظفر، ۱۳۷۵، ۲۳۷/۱؛ میلانی، ۱۴۲۸، ۱۰۶/۳)

دلیل اصلی بر احتیاط به طور عام (نائینی، ۱۳۵۲، ۲۰۲/۲؛ اسدی، ۱۳۸۳، ۴۵) و احتیاط در آبروی انسان‌ها به طور خاص حکم مستقل عقل است، بنابراین همه ادله نقلی وارد شده درباره قاعده احتیاط در نوامیس انسان‌ها - از جمله اجماع، اهتمام ویژه شریعت، سیره متشرعان، سیره شارع مقدس و ... - از باب ارشاد بوده و حکم مولوی در آن‌ها از سوی شرع وجود ندارد.

۷-۱- امضایی بودن قاعده احتیاط در آبرو

مقصود از احکام امضایی احکامی است که قبل از شرع بدان عمل می‌شده و شرع نیز آن را تأیید و امضاء کرده است (گرجی، ۱۳۸۵، ۲۴) مانند برخی از احکام معاملات.

در برابر احکام امضایی احکام تأسیسی وجود دارد. مراد از احکام تأسیسی و ایجاد احکامی هستند که به‌صورت مستقل و جداگانه و ابتدا به‌ساکن توسط شرع ایجاد و تأسیس شده و قبل از آن سابقه نداشته است مانند وجوب نماز عید فطر، نماز عید قربان، نماز جمعه، وضو، غسل و عقلای جهان قبل از ورود شرع نسبت به آبروی انسان‌ها حساسیت داشته و احتیاط را رعایت کرده و همگان را بدان توصیه می‌کرده و می‌کنند و عدم رعایت نسبت به آن را مذمت کرده و اشخاصی که آن را رعایت نمی‌کنند توبیخ می‌کنند، از این‌رو حکم شرع به احتیاط در آبروی انسان‌ها از احکام امضایی بوده و شارع مقدس عمل عقلای جهان را تأیید و امضاء کرده است.

۸- قلمرو قاعده احتیاط در آبرو

۱-۸- جریان قاعده احتیاط در آبرو در شبهه‌های حکمی

در شبهه‌های حکمی تحریمی بدوی میان اصولیان و اخباریان اختلاف نظر است. اخباریان باور به جریان اصالت احتیاط و اصولیان عقیده بر جریان اصالت برائت دارند (وحید، ۱۴۱۵، ۲۴۰؛ انصاری، ۱۴۱۹، ۲۰/۲) ولی همه با اتفاق نظر درباره امور مهم مانند جان و آبرو حکم به وجوب احتیاط داده‌اند. در این‌جا تکلیف محتمل بر فرض وجودش منجز است. (سبحانی، ۱۴۲۰، ۱۸۶/۲)

در شبهه‌های حکمی وجوبی بدوی هم اصولیان و هم اخباریان - به‌استثنای محدث محمدامین استرآبادی - حکم به جریان اصالت برائت داده‌اند (وحید، ۱۴۱۵، ۲۴۰؛ خوبی، ۱۴۲۰، ۲۵۲/۲؛ محمدی، ۱۴۳۰، ۱۹۵/۵؛ مدنی، ۱۴۲۹، ۳۶۱/۱) ولی درباره امور مهمی مانند جان و آبرو با اتفاق نظر حکم به وجوب احتیاط داده‌اند.

اخباریان در شبهه‌های حکمی تحریمی ناشی از فقدان دلیل، قول به وجوب احتیاط را انتخاب کرده‌اند و اصولیان حکم به اصالت برائت و عدم وجوب احتیاط داده‌اند (نائینی، ۱۳۵۲، ۱۶۵/۲؛ جزایری، ۱۴۱۵، ۱۰/۴) ولی همه در امور مهم مانند جان، آبرو، ناموس و اموال فراوان حکم به وجوب احتیاط داده‌اند. حکم شبهه‌های حکمی تحریمی ناشی از اجمال ادله همانند حکم شبهه‌های حکمی تحریمی ناشی از فقدان دلیل است (انصاری، ۱۴۱۹، ۱۱۴/۲) همچنان‌که حکم شبهه‌های حکمی تحریمی ناشی از تعارض ادله نیز همین‌گونه است. (انصاری، ۱۴۱۹، ۱۱۵/۲)

در شبهه‌های حکمی وجوبی ناشی از فقدان دلیل هم اخباریان و هم اصولیان حکم به اصالت برائت و عدم وجوب احتیاط داده‌اند (انصاری، ۱۴۱۹، ۱۴۲/۲؛ جابلقی، بی‌تا، ۳۱۸/۲) ولی همه در امور مهم مانند جان، ناموس، اموال و آبرو حکم به وجوب احتیاط داده‌اند.

در شبهه‌های حکمی وجوبی ناشی از اجمال ادله، معروف (انصاری، ۱۴۱۹، ۱۶۲/۲) عدم وجوب احتیاط است. برخی از اخباری‌ها مانند محدث محمدامین استرآبادی (استرآبادی، ۱۴۲۶، ۱۶۳) و یوسف بحرانی (بحرانی، ۱۴۰۵، ۶۹/۱) حکم به وجوب توقف و احتیاط داده‌اند.

در شبهه‌های حکمی وجوبی ناشی از تعارض ادله نیز معروف (انصاری، ۱۴۱۹، ۱۶۵/۲) عدم وجوب احتیاط است. بعضی از اخباریان مانند محمدامین استرآبادی (استرآبادی، ۱۴۲۶، ۱۶۳) و یوسف بحرانی (بحرانی، ۱۴۰۵، ۷۰/۱) حکم به وجوب توقف و احتیاط کردند.

در شبهه‌های حکمی وجوبی ناشی از اشتباه مصداق، حکم به برائت و عدم وجوب احتیاط داده شده (انصاری، ۱۴۱۹، ۱۶۹/۲) که شامل امور مهمی مانند آبرو نمی‌شود.

اخباریان و اصولیان در شبهه‌های حکمی ناشی از علم اجمالی حکم به وجوب احتیاط داده‌اند که این احتیاط عقلی بوده و شرعی نیست. (جزایری، ۱۴۱۵، ۱۰/۴)

در شبهه‌های حکمی دائر میان محذورین به‌جهت فقدان دلیل حکم به احتیاط داده شده (انصاری، ۱۴۱۹، ۱۸۵/۲) که شامل امور مهمی مانند آبرو نیز می‌شود.

حکم شبهه‌های حکمی دائر میان محذورین به‌جهت اجمال ادله همانند حکم شبهه‌های حکمی دائر میان محذورین به‌جهت فقدان دلیل است. (انصاری، ۱۴۱۹، ۱۹۰/۲)

در شبهه‌های حکمی دائر میان محذورین به‌جهت تعارض ادله حکم به تخییر داده شده (انصاری، ۱۴۱۹، ۱۹۱/۲) ولی برخی مانند ابوموسی عیسی بن أبان حنفی و ابوهاشم عبدالسلام جبائی معتزلی (حلی، ۱۴۲۵، ۳۲۴/۵؛ رازی، ۱۳۸۷، ۲۵۹/۴؛ آملی، ۱۴۱۸، ۴۳۹/۵) قول به تساوی و تساقط را انتخاب کردند و برخی مانند ابوالحسن عیباده کرخی حنفی (حلی، ۱۴۲۵، ۳۲۴/۵؛ رازی، ۱۴۱۸، ۴۳۹/۵) و ابوالحسن علی آمدی اشعری (آمدی، ۱۳۸۷، ۲۵۹/۴) اخذ به دلیل نهی را ترجیح دادند.

حکم شبهه‌های حکمی دائر میان محذورین به‌جهت اشتباه مصداق همانند حکم شبهه‌های حکمی دائر میان محذورین به‌جهت فقدان دلیل است. (انصاری، ۱۴۱۹، ۱۹۳/۲)

از مجموع این فروعات به دست می‌آید که قاعده فقهی احتیاط در آبرو به صورت اجمالی در شبهه‌های حکمی جریان دارد هر چند در حدود و ثغور آن اختلافاتی وجود دارد.

۸-۲- جریان قاعده احتیاط در آبرو در شبهه‌های موضوعی

اصولیان و اخباریان در شبهه‌های موضوعی بدوی قبل از فحص اتفاق نظر بر وجوب احتیاط دارند (سبزواری، ۱۴۱۷، ۱۷۶/۲) و در شبهه‌های موضوعی بدوی بعد از فحص اتفاق نظر بر جریان اصالت برائت و عدم وجوب احتیاط دارند (وحید، ۱۴۱۵، ۲۴۰؛ محمدی، ۱۴۳۰، ۱۹۵/۵) و حتی ادعای اجماع بر آن شده است (حسینی، ۱۳۸۵، ۲۵۶/۵) ولی درباره امور مهمی مانند آبرو حکم به وجوب احتیاط داده‌اند. (آشتیانی، بی‌تا، ۴۰)

اخباریان با وجود این که در شبهه‌های تحریمی ناشی از فقدان دلیل، احتیاط را واجب می‌دانند (انصاری، ۱۴۱۹، ۲۰/۲) در شبهه‌های موضوعی اصالت برائت را جاری می‌سازند (انصاری، ۱۴۱۹، ۸۵/۲) و از شبهه‌های موضوعی تحریمی امور مهم مانند جان، ناموس، آبرو و اموال را استثناء کرده‌اند؛ زیرا اصالت حلیت در آن‌ها به دلالت گوناگون - از جمله تعلیق حکم در این موارد بر امور وجودی؛ تمسک به عام در شبهات مصداقی؛ قاعده مقتضی و مانع - به اصالت احتیاط تبدیل می‌شود. (حسینی، ۱۳۸۵، ۲۵۷-۲۵۶/۵) اصولیان نیز در شبهه‌های تحریمی ناشی از فقدان دلیل قائل به جریان اصالت برائت هستند (نائینی، ۱۳۵۲، ۱۶۵/۲) ولی درباره امور مهم مانند جان، ناموس، آبرو و مال اصالت احتیاط را جاری می‌سازند. (آشتیانی، بی‌تا، ۴۰)

حکم شبهه‌های موضوعی تحریمی ناشی از اجمال ادله نیز همانند حکم شبهه‌های تحریمی ناشی از فقدان دلیل است. (انصاری، ۱۴۱۹، ۱۱۴/۲) همچنان که حکم شبهه‌های موضوعی وجوبی ناشی از اجمال ادله نیز همین گونه است. (انصاری، ۱۴۱۹، ۲۹۵/۲) مشهور در شبهه‌های موضوعی وجوبی ناشی از تعارض ادله، تخییر است (انصاری، ۱۴۱۹، ۲۹۸/۲) و فرض بر این است که هیچ کدام موافق با احتیاط نیستند، و گرنه احتیاط مطلوب است. (انصاری، ۱۴۱۹، ۲۹۸/۲)

در شبهه‌های موضوعی وجوبی قبل از فحص احتیاط واجب نیست. دلیل آن نیز اطلاق ادله اصول است مگر این که امثال تکلیف به طور غالب متوقف بر فحص از موضوع باشد مانند فحص از اشتغال مال زکوی بر نصاب و فحص از این که مال به قدر استطاعت برای حج باشد. (حسینی، ۱۳۸۵، ۲۵۷/۵) امور مهم مانند جان، ناموس، آبرو و مال در این جا استثناء خورده و احتیاط در آن‌ها واجب است (اصفهانی، ۱۴۲۲، ۶۲۷/۱؛ بجنوردی، ۱۳۸۰، ۳۹/۲؛ بهجت، ۱۴۲۴، ۲۸۰) زیرا شارع مقدس اهتمام ویژه‌ای به حفظ آن‌ها دارد (بجنوردی، ۱۴۱۹، ۳۳۵/۴) و این اهتمام مانع از ترخیص در ورود به شبهات آن‌ها می‌شود. (اراکي، ۱۴۱۳، ۲۳۵)

اصولیان و اخباریان در شبهه‌های موضوعی ناشی از علم اجمالی حکم به وجوب احتیاط داده‌اند (رشتی، بی‌تا، ۳۰۲) که این احتیاط عقلی بوده و شرعی نیست. (جزایری، ۱۴۱۵، ۱۰۱/۴)

در شبهه‌های موضوعی وجوبی ناشی از اشتباه مصداق حکم به وجوب احتیاط داده شده (انصاری، ۱۴۱۹، ۲۹۹/۲) و گفته شده که این وجوب، عقلی است؛ زیرا عقل از باب وجوب دفع عقاب محتمل حکم مستقل به احتیاط می‌کند. (انصاری، ۱۴۱۹، ۳۰۵/۲)

در شبهه‌های موضوعی تحریمی مصداقی محصور، مشهور (انصاری، ۱۴۱۹، ۲۱۰/۲) این است که احتیاط در آن‌ها واجب است؛ بلکه ادعای عدم خلاف (تونلی، ۱۴۱۲، ۱۹۱) بر آن شده است. هر چند در این جا اشخاصی مانند سید محمد عاملی (عاملی، ۱۴۱۱، ۱۰۷/۱) و میرزا ابوالقاسم قمی (قمی، ۱۴۳۰، ۶۷/۳) حکم به عدم وجوب احتیاط دادند و برخی مانند محقق محمدباقر سبزواری (سبزواری، ۱۲۴۷، ۱۳۸/۱) در وجوب احتیاط تأمل کردند؛ ولی همه در امور مهم مانند آبرو قائل به وجوب احتیاط هستند.

در شبهه‌های موضوعی تحریمی غیرمحصور، معروف (انصاری، ۱۴۱۹، ۲۵۷/۲) عدم وجوب احتیاط بوده و حتی ادعای اتفاق (کرکی، ۱۴۱۴، ۱۶۶/۲)، اجماع (عاملی، ۱۴۰۲، ۵۹۹/۲؛ وحید، ۱۴۱۵، ۲۴۷) ضرورت (انصاری، ۱۴۱۹، ۲۵۷/۲) و سیره مسلمانان (وحید، ۱۴۱۵، ۲۴۷) بر آن شده است؛ ولی حکم به عدم جواز ارتکاب همه موارد داده شده تا مخالفت قطعی با واقع انجام نگیرد. (انصاری، ۱۴۱۹، ۲۶۶/۲) این حکم به عدم احتیاط شامل امور مهمی مانند آبرو نمی‌شود.

در شبهه‌های موضوعی ناشی از دوران میان محذورین حکم به وجوب انجام یکی و ترک دیگری به صورت اختیاری داده شده؛ زیرا موافقت احتمالی در هر دو مورد از موافقت قطعی در یکی با مخالفت قطعی در دیگری اولویت دارد؛ چراکه احتیاط برای دفع ضرر محتمل با ارتکاب ضرر مقطوع نیکو نیست. (انصاری، ۱۴۱۹، ۴۰۳/۲)

ملاحظه پیرامون مجموع این جملات، نظرات و فتاوی حکایت از جریان قاعده فقهی اصالت احتیاط در آبروی انسان‌ها در شبهه‌های مرتبط با موضوع به طور اجمالی دارد اگر چه در برخی از موارد و حدود آن اختلافاتی به چشم می‌خورد.

۸-۳- جریان قاعده احتیاط در آبرو نسبت به کافران

احتیاط در قاعده احتیاط در آبرو اختصاص به مسلمانان ندارد و شامل کافران غیرحربی نیز می‌شود؛ زیرا مناط در این احتیاط احتمال حفظ آبروی انسان‌ها در جای خودش است و روشن است که منشأ این احتمال اختصاص به اسلام ندارد، بنابراین هر جایی که این احتمال وجود داشته باشد، قاعده فقهی احتیاط در آبرو جاری می‌شود.

کافران اهل ذمه دارای احترام بوده و جان، آبرو، ناموس، اموال (سیستانی، ۱۴۱۴، ۹۰) و نوامیس آنان محترم است، بنابراین حکم آبروی آنان حکم آبروی مسلمانان را دارد و احتیاط در آن جریان دارد.

این نکته اختصاص به آبرو ندارد و شامل امور مهم دیگری مانند جان، اموال و نوامیس نیز می‌شود، همچنان‌که برخی از فقهاء مانند آیت الله سیدعلی حسینی خامنه‌ای این تعمیم را درباره جان در قاعده احتیاط در دماء نیز بیان کرده (خامنه‌ای، ۱۴۱۷، ۲۹ و ۱۴۱۸، ۸۵) و در مقام استدلال گفته‌اند که مناط در احتیاط در جان احتمال حفظ جان در جای خودش است و روشن است که منشأ این احتمال اختصاص به اسلام ندارد، بنابراین هر جایی که این احتمال وجود داشته باشد، قاعده احتیاط در دماء جاری می‌شود. (خامنه‌ای، ۱۴۱۷، ۲۹)

۹- نسبت قاعده احتیاط در آبرو با قاعده اصالت اباحه

قاعده اصالت اباحه که از آن با عنوان اصالت حلیت و حل نیز یاد می‌شود (مصطفوی، ۱۴۱۷، ۱۲۳-۱۲۴) از قواعد فقهی مشهور است. برای قاعده اصالت اباحه به آیه «فَلْ لَّأَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رَجْسٌ أَوْ فَسْقًا آهْلًا لَغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (انعام، ۱۴۵)، آیه «وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرَّرْتُمْ إِلَيْهِ» (انعام، ۱۱۹)، حدیث «کلّ شیء یكون آمنه [افیہ] [حلال] و [حرام] [لحوال] فهو [لک] [حلال] [لک] [أبدأ] حتی [أن] [تعرّف] [منه] [الحرام] [منه] [بعینه] [فتدعه] [فتدعه]» (برقی، ۱۳۷۱، ۴۵۹ و ۴۹۶-۴۹۷؛ حلی، ۱۴۱۴، ۵۹۴/۳؛ صدوق، ۱۴۰۴، ۳۴۱/۳؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۳۱۳/۵ و ۳۳۹/۶؛ طوسی، ۱۳۶۵، ۷۹/۹)، حدیث «کلّ شیء مطلقّ حتی یرد فیہ نصّ [نهی]» (صدوق، ۱۴۰۴، ۳۱۷/۱؛ أحسانی، ۱۴۰۳، ۴۴/۲)، حدیث «الأشیاء مطلقه ما لم یرد علیک أمر ونهی وکلّ شیء فیہ حلال و حرامّ فهو لک حلالّ أبدأ ما لم تعرف الحرامّ منه فتدعه» (طوسی، ۱۴۱۴، ۶۱۹)، حدیث «کلّ شیء هو لک حلالّ حتی تعلم أنّه حرامّ بعینه فتدعه من قبل نفسک وذلک مثل الثوب یكون [علیک] قداشتریته وهو سرقة أو المملوک عندک ولعلّه حرّ قد باع نفسه أو خدع فبیع أو قهر أو امرأة تحتک وهی أختک أو رضیعتک والأشیاء کلّها علی هذا حتی یستبین لک غیرذلک أو تقوم به البینه» (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۱۳/۵-۳۱۴؛ طوسی، ۱۳۶۵، ۲۲۶/۷) و تسالم فقهاء (مصطفوی، ۱۴۱۷، ۱۲۴) استناد می‌شود.

در شبهه‌های وجوبی هم اخباریان و هم اصولیان اصالت اباحه را جاری می‌سازند؛ ولی در شبهه‌های تحریمی فقط اصولیان آن را جاری می‌سازند. (مکارم، ۱۴۲۸، ۳۶۸/۳)

اصالت اباحه و حلیت درباره امور مهم مانند جان، ناموس، آبرو و مال زیاد جریان نخواهد داشت؛ زیرا این اصل در جایی جریان دارد که موضوع برحسب طبیعت خویش محکوم به حلیت و اباحه باشد و در حرمت آن به جهت عروض عوارض خارجی شک شود؛ ولی اگر موضوع برحسب طبیعت خودش محکوم به حرمت باشد و حلیت امری عارضی بر آن باشد این اصل درباره آن جاری نمی‌شود. امور مهمی مانند جان، ناموس، آبرو و مال در زمره همین موضوعات هستند که اصل در آن‌ها بر حرمت است، بنابراین اصالت اباحه و حلیت در آن‌ها جاری نمی‌شود اگرچه شبهه در آن‌ها بدوی باشد. (سبحانی، ۱۴۲۶، ۴۲۵/۳) از سوی دیگر اصالت اباحه در جایی جریان دارد که عقل استقلال به قبح آن نداشته باشد (بهبهانی، ۱۳۸۱، ۱۳۷) درحالی‌که در امور مهم مانند آبرو حکم به قبح اقدام در صورت عدم علم می‌کند. (مجاهد، ۱۴۱۵، ۴۵۹)

۱۰- استثناءات قاعده احتیاط در آبرو

هر چند قاعده احتیاط در آبروی انسان‌ها از قواعد بسیار مهم است که در موارد متعدد توسط فقهای اسلامی اعمال می‌شود ولی گاهی به جهت تراحم این قاعده با مصالح برتر لازم است از اعمال این قاعده پرهیز کرده و مرتکب برخی از اعمالی شد که از مصادیق تضييع آبروی انسان به شمار می‌روند. در ذیل به برخی از مهم‌ترین این موارد اشاره می‌شود.

۱- غیبت یکی از اسباب تضييع آبروی انسان است ولی گاهی ممنوعیت غیبت به جهت رعایت مصالح برتر - از جمله هدایت جامعه، حفظ حقوق دیگران، پرهیز از ضرر دیگران و ... - رفع می‌شود.

۲- در برخی موارد افشای اسرار انسان موجب تضييع آبروی انسان می‌شود اما گاهی افشای اسرار انسان به منظور ملاحظه مصالح برتر - مانند تأمین حقوق دیگران، روشننگری جامعه، ممانعت از اضرار به دیگران و ... - لازم است.

همچنین قاعده فقهی احتیاط در آبرو نسبت به شخصی که خود نسبت به آبروی خویش بی‌مبالات باشد - مانند کسی که در ملأ عام مرتکب همه انواع فحشا و فساد می‌شود - جاری نمی‌شود. زیرا موضوع این قاعده انسانی است که آبرو داشته باشد و شخصی که خودش آبروی خویش را نگاه نمی‌دارد موضوعی برای حفظ آبرو ندارد. به عبارت دیگر سالبه به انتفای موضوع است.

ذکر این نکته ضروری است که اگر شخصی در یک یا چند بعد ملتزم به حفظ آبرو نیست ولی در ابعاد دیگر ملتزم به حفظ آبروی خودش است این قاعده در مواردی که خودش ملتزم به حفظ آبروی خودش نیست جریان نمی‌یابد.

نتیجه‌گیری

قاعده فقهی احتیاط در آبرو از جمله قواعد فقهی مهم است که دلیل اصلی برای آن حکم مستقل عقل است و ادله دیگر - از جمله اجماع، اهتمام ویژه شریعت، قاعده احترام، سیره متشرعه، اصل احتیاط و سیره شارع مقدس - به عنوان مؤید حکم عقل به‌شمار می‌روند، بنابراین حکم شرع مقدس در این باره از باب ارشاد و امضاء است و شرع مقدس جعل مستقلی در این زمینه ندارد. این قاعده فقهی در هم شبهه‌های مرتبط با حکم شرعی تکلیفی و هم شبهه‌های مرتبط با موضوع خارجی دارای حکم شرعی تکلیفی و نسبت به آبروی هم اشخاص مسلمان و هم اشخاص کافر غیرحریمی جریان دارد. اصالت اباحه درباره آبروی انسان‌ها جریان نخواهد داشت؛ زیرا این اصل در جایی جریان دارد که موضوع برحسب طبیعت خویش محکوم به اباحه باشد و در حرمت آن به جهت عروض عوارض خارجی شک شود؛ ولی اگر موضوع برحسب طبیعت خودش محکوم به حرمت باشد و حلیت امری عارضی بر آن باشد این اصل درباره آن جاری نمی‌شود. آبروی انسان نیز در زمره همین موضوعات است که اصل در آن‌ها بر حرمت است، بنابراین اصالت اباحه در آن جاری نمی‌شود اگرچه شبهه در آن‌ها بدوی باشد. از سوی دیگر اصالت اباحه در جایی جریان دارد که عقل استقلال به قبح آن نداشته باشد، درحالی‌که در آبروی انسان حکم به قبح اقدام در صورت عدم علم می‌کند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آشتیانی، محمود (بی‌تا)، حاشیة علی درر الفوائد، قم: مؤلف، چ ۱.
۳. آمدی، علی (۱۳۸۷ق)، الإحکام فی أصول الأحکام، ریاض: المکتب الإسلامی، چ ۱.
۴. أحسائی، محمد (۱۴۰۳ق)، عوالی اللثالی، قم: بی‌نا، یکم.
۵. اراکی، محمدعلی (۱۳۷۵ش)، أصول الفقه، قم: مؤسسه در راه حق، چ ۱.
۶. اراکی، محمدعلی (۱۴۱۳ق)، المکاسب المحرمه، قم: مؤسسه در راه حق، چ ۱.
۷. اردبیلی، احمد (۱۴۰۷ق)، الذخر فی علم الأصول، قم: مؤلف، چ ۱.
۸. اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۴۲۷ق)، فقه الحدود و التعزیرات، قم: انتشارات دانشگاه مفید، چ ۲.
۹. اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۴۲۳ق)، فقه القضاء، قم: انتشارات دانشگاه مفید، چ ۲.
۱۰. استرآبادی، محمدمامین (۱۴۲۶ق)، الفوائد المدنیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱.
۱۱. اسدی، حسن (۱۳۸۳ش)، قاعده احتیاط از دیدگاه فقهاء و اصولیین مذاهب پنج‌گانه اسلامی، مجله پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ش ۱.
۱۲. اصفهانی، سید ابوالحسن (۱۴۲۲ق)، وسیلة الوصول إلى حقائق الأصول، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱.
۱۳. انصاری، مرتضی (۱۴۱۹ق)، فرائد الأصول، قم: مجمع الفکر الإسلامی، چ ۱.
۱۴. انصاری، مرتضی (۱۴۲۰ق)، کتاب المکاسب، قم: مجمع الفکر الإسلامی، چ ۲.
۱۵. انوری، حسن (۱۳۸۲ش)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن، چ ۲.
۱۶. اهوازی، حسین (۱۴۰۲ق)، المؤمن، قم: مطبعه علمیه، چ ۲.
۱۷. بجنوردی، سید محمدحسن (۱۴۱۹ق)، القواعد الفقهیه، قم: دفتر نشر الهادی، چ ۱.
۱۸. بجنوردی، سید محمدحسن (۱۳۸۰ش)، منتهی الأصول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ ۱.
۱۹. بحرانی، یوسف (۱۴۰۵ق)، الحدائق الناصره، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱.
۲۰. بحرالعلوم، سید محمد (۱۴۰۳ق)، بلغة الفقیه، تهران: مکتبه صادق، چ ۴.
۲۱. برقی، احمد (۱۳۷۱ق)، المحاسن، قم: دارالکتب الإسلامیه، چ ۲.
۲۲. بهبهانی، سید علی (۱۳۸۱ش)، بدائع الأصول، اهواز: انتشارات خوزستان، چ ۱.
۲۳. بهجت، محمدتقی (۱۴۲۴ق)، بهجة الفقیه، قم: انتشارات شفق، چ ۱.
۲۴. تبریزی، غلام‌حسین (بی‌تا)، أصول مهذب، مشهد: چاپخانه طوس، چ ۲.

٢٥. تمیمی، نعمان (١٣٨٣ق)، دعائم الاسلام، قاهره: دارالمعارف، ج ١.
٢٦. تونی، عبدالله (١٤١٢ق)، الوافیة فی أصول الفقه، قم: مجمع الفکر الإسلامی، ج ١.
٢٧. جابلقی، محمد (بی تا)، القواعد الشریفه، قم: مؤلف، ج ١.
٢٨. جزایری، محمدجعفر (١٤١٥ق)، منتهی الدرایة فی شرح الکفایه، قم: مؤسسه دارالکتاب، ج ٤.
٢٩. جزیری، عبدالرحمن/غروی، سید محمد/مازح، یاسر (١٤١٩ق)، الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت، بیروت: دارالتقلین، ج ١.
٣٠. جناحی، جعفر (١٤٢٠ق)، شرح الشیخ جعفر علی قواعد العلامه، نجف: مؤسسه کاشف الغطاء، ج ١.
٣١. جوهری، اسماعیل (١٤٣٠ق)، الصحاح، قاهره: دارالحديث، ج ١.
٣٢. حسینی، سید محمود (١٣٨٥ش)، نتائج الأفكار فی الأصول، قم: آل مرتضی، ج ١.
٣٣. حکیم، سید محسن (١٤١٦ق)، مستمسک العروة الوثقی، قم: مؤسسه دارالتفسیر، ج ١.
٣٤. حکیمیان، علی محمد (١٣٩١ش)، قاعده احترام مبنای مسئولیت مدنی مسلمانان نسبت به یکدیگر، مجله حقوق اسلامی، ش ٣٣.
٣٥. حلّی، جعفر (١٤٠٨ق)، شرائع الإسلام، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ج ٢.
٣٦. حلّی، حسن (١٤٢٢-١٤٢٠ق)، تحریر الأحکام، قم: مؤسسه امام صادق، ج ١.
٣٧. حلّی، حسن (١٤١٣ق)، قواعد الأحکام، قم: دفترانتشارات اسلامی، ج ١.
٣٨. حلّی، حسن (١٤٢٣ق)، مختلف الشیعه، قم: بوستان کتاب، ج ٢.
٣٩. حلّی، حسن (١٤١٢ق)، منتهی المطلب، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ج ١.
٤٠. حلّی، حسن (١٤٢٥ق)، نهاية الوصول إلى علم الأصول، قم: مؤسسه امام صادق، ج ١.
٤١. حلّی، حسین (١٤٣٢ق)، أصول الفقه، قم: کتابخانه تخصصی فقه و اصول، ج ١.
٤٢. حلّی، محمد (١٤١٤ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ٢.
٤٣. خادمی، نورالدین (١٤٢١ق)، علم المقاصد الشرعیه، ریاض: مکتبه العیبه، ج ١.
٤٤. خامنه ای، سید علی (١٤١٧ق)، بحث حول الصابنه، مجله فقه أهل البيت، ش ٤.
٤٥. خامنه ای، سید علی (١٤١٨ق)، المهادنه، مجله فقه أهل بیت، ش ١١-١٢.
٤٦. خراسانی، محمدکاظم (١٤٠٩ق)، کفایة الأصول، قم: مؤسسه آل البيت، ج ١.
٤٧. خمینی، سید روح الله (١٤٢٣ق)، تهذیب الأصول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ١.
٤٨. خوانساری، احمد (١٤٠٥ق)، جامع المدارک، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ج ٢.
٤٩. خوبی، سید ابوالقاسم (١٤٢٠ق)، مصباح الأصول، قم: مکتبه داوری، ج ٦.
٥٠. دهخدا، علی اکبر (١٣٧٧ش)، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ج ٢.
٥١. رازی، احمد (١٣٨٧ش)، مقائیس اللغه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ج ١.
٥٢. رازی، محمد (١٤١٨ق)، المحصول فی علم أصول الفقه، بیروت: مؤسسه الرساله، ج ٣.
٥٣. راغب، حسین (١٤١٢ق)، مفردات ألفاظ القرآن، دمشق: دارالقلم/ بیروت: الدار الشامیه، ج ١.
٥٤. رشتی، حبیب الله (بی تا)، بدائع الأفكار، قم: مؤسسه آل البيت، ج ١.
٥٥. روحانی، سید محمدصادق (١٣٨٢ش)، زبدة الأصول، تهران: حدیث دل، ج ١.
٥٦. زامل، عبدالمحسن (١٤٢٢ق)، شرح القواعد السعديیه، ریاض: دارأطلس الخضراء، ج ١.
٥٧. زحیلی، وهبه (١٤٠٦ق)، أصول الفقه الإسلامی، بیروت: دارالفکر المعاصر، ج ١.
٥٨. زمخشری، محمود (١٤٠٧ق)، الکشاف، بیروت: دارالکتاب العربی، ج ٣.
٥٩. سبحانی، جعفر (١٤٣٠ق)، الإعتصام بالکتاب و السنه، قم: مؤسسه امام صادق، ج ٣.
٦٠. سبحانی، جعفر (١٤٢٦ق)، إرشاد العقول إلى مباحث الأصول، قم: مؤسسه امام صادق، ج ١.
٦١. سبحانی، جعفر (١٤٢٠ق)، الصوم فی الشریعة الإسلامیة الغراء، قم: مؤسسه امام صادق، ج ١.
٦٢. سبحانی، جعفر (١٤١٩ق)، المحصول فی علم الأصول، قم: مؤسسه امام صادق، ج ١.
٦٣. سبحانی، جعفر (١٤٢٣ق)، الموجز فی أصول الفقه، قم: مؤسسه امام صادق، ج ١.
٦٤. سبحانی، جعفر (١٤٢٦ق)، الوسیط فی أصول الفقه، قم: مؤسسه امام صادق، ج ٢.
٦٥. سبزواری، سید عبدالأعلى (١٤١٧ق)، تهذیب الأصول، بیروت: مؤسسه المنار، ج ١.

۶۶. سبزواری، سید عبدالأعلى (۱۳۸۸ش)، مهذب الأحكام، قم: دارالتفسیر، ج ۱.
۶۷. سبزواری، سید علی (۱۴۲۳ق)، الإستنساخ بین التقنیة و التشریح، قم: دفتر آیت الله سبزواری، ج ۲.
۶۸. سبزواری، محمدباقر (۱۲۴۷ق)، ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد، قم: مؤسسه آل البيت، ج ۱.
۶۹. سدلان، صالح (۱۴۱۷ق)، القواعد الفقهیة الكبرى و ما تفرع عنها، ریاض: داربلنسیه، ج ۱.
۷۰. سیستانی، سید علی (۱۴۱۴ق)، قاعدة لا ضرر و لا ضرار، قم: دفتر آیت الله سیستانی، ج ۱.
۷۱. شلبی، محمد (۱۴۰۶ق)، أصول الفقه الإسلامی، بیروت: دارالنهضة العربیة، ج ۱.
۷۲. شیرازی، سید محمد (۱۴۲۶ق)، الفقه: السلم و السلام، بیروت: دارالعلم، ج ۱.
۷۳. صافی، لطف الله (۱۴۲۸ق)، بیان الأصول، قم: دفتر آیت الله صافی، ج ۱.
۷۴. صدر، سید محمدباقر (۱۴۲۳ق)، بحوث فی علم الأصول، تقریر حسن عبدالساتر، بیروت: محبین، ج ۱.
۷۵. صدر، سید محمدباقر (۱۴۳۱ق)، بحوث فی علم الأصول، تقریر سید محمود شاهرودی، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، ج ۴.
۷۶. صدوق، محمد (۱۴۱۵ق)، المقنع، قم: مؤسسه امام هادی، ج ۱.
۷۷. صدوق، محمد (۱۴۰۴ق)، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲.
۷۸. طباطبایی، سید علی (۱۴۱۸ق)، ریاض المسائل، قم: مؤسسه آل البيت، ج ۱.
۷۹. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۵.
۸۰. طبرسی، احمد (۱۴۰۳ق)، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضی، ج ۱.
۸۱. طبرسی، فضل (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ج ۳.
۸۲. طبری، محمد (۱۳۸۳ق)، بشارة المصطفی، نجف: کتابفروشی حیدری، ج ۲.
۸۳. طوسی، محمد (۱۴۱۴ق)، الأمالی، قم: مؤسسه بعثت، ج ۱.
۸۴. طوسی، محمد (۱۴۰۴ق)، اختیار معرفة الرجال، قم: مؤسسه آل البيت، ج ۱.
۸۵. طوسی، محمد (۱۹۹۱م)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ج ۱.
۸۶. طوسی، محمد (۱۳۶۵ش)، تهذیب الأحكام، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ج ۴.
۸۷. طوسی، محمد (۱۳۸۷ق)، المبسوط، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ج ۳.
۸۸. عاملی، زین الدین (۱۴۰۲ق)، روض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه، ج ۱.
۸۹. عاملی، زین الدین (۱۴۱۳ق)، مسالک الأفهام، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ج ۱.
۹۰. عاملی، سید جواد (بی تا)، مفتاح الكرامة، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ج ۱.
۹۱. عاملی، سید محمد (۱۴۱۱ق)، مدارک الأحكام، قم: مؤسسه آل البيت، ج ۱.
۹۲. عاملی، محمد (۱۴۱۰ق)، اللعة دمشقیة، بیروت: دار التراث/الدار الإسلامیة، ج ۱.
۹۳. عراقی، ضیاء الدین (۱۳۸۸ش)، الإجتهد و التقليد، قم: نوید اسلام، ج ۱.
۹۴. عراقی، ضیاء الدین (بی تا)، کتاب القضاء، قم: مهر، ج ۱.
۹۵. علوانی، جابر (۱۴۲۱ق)، مقاصد الشریعة، قم: انتشارات ستاره، ج ۱.
۹۶. علی شاهی، ابوالفضل (۱۳۹۰ش)، مفهوم و حجیت مذاق شریعت در فرآیند استنباط احکام فقهی، قم: بوستان کتاب، ج ۱.
۹۷. فاضل، محمد (۱۴۳۰ق)، دراسات فی الأصول، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار، ج ۱.
۹۸. فراهیدی، خلیل (۱۴۲۴ق)، کتاب العین، بیروت: دارالکتب العلمیة، ج ۱.
۹۹. فیروزآبادی، محمد (۱۴۲۹ق)، القاموس المحيط، قاهره: دارالحدیث، ج ۱.
۱۰۰. فیومی، احمد (۱۴۰۵ق)، المصباح المنیر، قم: دارالهجرة، ج ۱.
۱۰۱. قمی، ابوالقاسم (۱۴۳۰ق)، القوانین المحکمة فی الأصول المتقنه، قم: مؤسسه إحياء الكتب الإسلامیة، ج ۱.
۱۰۲. قمی، سید تقی (۱۳۷۱ش)، رأؤنا فی أصول الفقه، قم: محلاتی، ج ۱.
۱۰۳. قمی، علی (۱۴۰۴ق)، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب، ج ۳.
۱۰۴. کاشف الغطاء، علی (۱۳۸۱ق)، النور الساطع فی الفقه النافع، نجف: مطبعة الآداب، ج ۱.
۱۰۵. کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۴۲۶ق)، الفردوس الأعلى، قم: دار أنوار الهدی، ج ۱.
۱۰۶. کرکی، حسین (۱۳۹۶ق)، هداية الأبرار، نجف: مؤسسه احياء الأحياء، ج ۱.

۱۰۷. کرکی، علی (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه آل‌البیت، چ ۲.
۱۰۸. کلینی، محمد (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چ ۴.
۱۰۹. کمپانی، محمدحسین (۱۴۱۴ق)، نه‌ایه‌الدرايه، قم: مؤسسه آل‌البیت، چ ۱.
۱۱۰. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۵ش)، ادوار اصول‌الفقه، تهران: نشر میزان، چ ۱.
۱۱۱. لنگرودی، سید مرتضی (۱۳۸۰ق)، الرسائل‌الثلاث، قم: اسلام، چ ۱.
۱۱۲. مالکی، ورام (۱۴۱۰ق)، تنبیه‌الخواطر و نه‌ه‌النواظر، قم: مکتبه فقیه، چ ۱.
۱۱۳. مجاهد، سید محمد (۱۴۱۵ق)، مفاتیح‌الأصول، قم: مؤسسه آل‌البیت، چ ۱.
۱۱۴. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۲ش)، قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چ ۱۲.
۱۱۵. محمدی، غلام‌علی (۱۴۳۰ق)، دروس فی الکفایه، بیروت: دارالمصطفی، چ ۱.
۱۱۶. مدنی، سیدیوسف (۱۴۲۹ق)، قواعد‌الأصول، قم: دفتر آیت‌الله مدنی، چ ۲.
۱۱۷. مشکینی، علی (۱۴۰۹ق)، اصطلاحات‌الأصول و معظم أبحاثها، قم: دفتر نشر الهادی، چ ۴.
۱۱۸. مصطفوی، سید محمدکاظم (۱۴۱۷ق)، القواعد، قم: دفترانتشارات اسلامی، چ ۳.
۱۱۹. مظفر، محمدرضا (۱۳۷۵ش)، أصول‌الفقه، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چ ۵.
۱۲۰. معین، محمد (۱۳۸۶ش)، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات ادنا، چ ۴.
۱۲۱. مقدس، احمد (۱۴۰۳ق)، مجمع‌الفائده و البرهان، قم: دفترانتشارات اسلامی، چ ۱.
۱۲۲. مکارم، ناصر (۱۴۲۸ق)، أنوار‌الأصول، قم: مدرسه امام علی بن‌أبی‌طالب، چ ۲.
۱۲۳. مکارم، ناصر و همکاران (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چ ۱.
۱۲۴. مکارم، ناصر (۱۴۲۷ق)، الفتاوی‌الجديده، قم: مدرسه امام علی بن‌أبی‌طالب، چ ۱.
۱۲۵. مکارم، ناصر (۱۴۱۱ق)، القواعد‌الفقهیه، قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین، چ ۱.
۱۲۶. مهریزی، مهدی (۱۳۸۲ش)، فقه‌پژوهی (دفتر دوم)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۱.
۱۲۷. مهریزی، مهدی (۱۴۲۳ق)، مدخل‌إلى فلسفه‌الفقه، ترجمه حیدر نجف و دیگران، بیروت: دارالهادی، چ ۱.
۱۲۸. میلانی، سید علی (۱۴۲۸ق)، تحقیق‌الأصول، قم: نشر حقائق، چ ۲.
۱۲۹. نائینی، محمدحسین (۱۳۵۲ش)، أجود‌التقیرات، قم: مطبعه عرفان، چ ۱.
۱۳۰. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، جواهر‌الكلام، بیروت: داراحیاء‌التراث‌العربی، چ ۷.
۱۳۱. نجم‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۰ش)، الأصول، قم: مؤسسه آیت‌الله بروجردی، چ ۱.
۱۳۲. هاشمی، سید محمود و همکاران (۱۳۸۲-۱۳۹۷ش)، فرهنگ فقه، قم: مؤسسه دائرة‌المعارف فقه اسلامی، چ ۱.
۱۳۳. هوشمند، حسین (۱۳۹۶ش)، بررسی امکان استخراج ضمان از ادله‌روایی احترام، مجله دین و قانون، ش ۱۶.
۱۳۴. وحید، محمدباقر (۱۴۱۵ق)، الفوائد‌الحائریه، قم: مجمع‌الفکر الإسلامی، چ ۱.